

# مختصری بر اسطوره شناسی:

در فهم عامه و در برخی از فرهنگ‌ها، اسطوره (اساطیر) معنی «آنچه خیالی و غیر واقعی است و جنبه افسانه‌ای محض دارد» یافته‌است؛ اما اسطوره را باید داستان و سرگذشتی مینوی دانست که شرح عمل، عقیده، نهاد یا پدیده‌ای طبیعی است که دست‌کم بخشی از آنها از سنت‌ها و روایت‌ها گرفته شده و با آیین‌ها و عقاید دینی پیوندی ناگسستنی دارد. در اسطوره سخن از این است که چگونه هر چیزی پدید می‌آید و به هستی خود ادامه می‌دهد. علم اسطوره‌شناسی به بررسی اساطیر می‌پردازد. اسطوره واژه‌ای معرب است که از واژه یونانی هیستوریا (historia به معنی «جستجو، آگاهی، داستان» گرفته شده‌است. نجف دریابندری در کتاب افسانه اسطوره توضیح داده‌است که این واژه در زبان فارسی پیشینه چندان ندارد و معادل فارسی دقیق‌تر برای لفظ myth و «mythos شرح، خبر، قصه») در زبان‌های اروپایی، در فارسی «افسانه» می‌باشد؛ ولی برخی نویسندگان دیگر مانند ژاله آموزگار و جلال ستاری همچنان واژه «اسطوره» را بسنده دانسته و به کار می‌برند. همچنین محمدرضا حقدوست (سیمرغ) در مقدمه کتاب «بازی سایه‌ها در نیمه شب جمعه» و طی چند سخنرانی در تلویزیون در تعریف اسطوره چنین بیان داشت که اسطوره از ریشه STORY یا History ریشه گرفته که تعریف صحیح آن چنین می‌شود: Story behind History or History behind Story به معنی داستان پشت تاریخ یا تاریخ پشت داستان در واقع تفاوت اصلی اسطوره و افسانه این است که اسطوره ریشه تاریخی دارد، ولیکن افسانه یک هنر فولکلوریک بوده و از دل مردم، باورها، اعتقادات، ترس‌ها و ندانسته‌هایشان نشأت می‌گیرد. اسطوره‌ها خواسته و ناخواسته در زندگی امروز نقش دارند و حذف آنها از زندگی روزمره به هیچ وجه امکان‌پذیر نمی‌باشد.

# میتوس Mythos افسانه یا اسطوره :

میتوس ( Mythos) در کلام یونانیان به معنی "افسانه"، "قصه"، "گفت و گو" و "سخن" بوده، اما نهایتاً به چیزی اطلاق گردید که « واقعاً نمی تواند وجود داشته باشد». [۲] هر چند اسطوره در دیدگاههای مختلف تعاریف و تعبیر متعدد دارد، اما در یک کلام می توان آن را اینگونه تعریف نمود: اسطوره عبارت است از روایت یا جلوه ای نمادین درباره ایزدان، فرشتگان، موجودات فوق طبیعی و به طور کلی جهان شناختی که یک قوم به منظور تفسیر خود از هستی به کار می بندد اسطوره سرگذشتی راست و مقدس است که در زمانی ازلی رخ داده و به گونه ای نمادین، تخیلی و وهم انگیز می گوید که چگونه چیزی پدید آمده، هستی دارد، یا از میان خواهد رفت، و در نهایت، اسطوره به شیوه ای تمثیلی کاوشگر هستی است

# اسطوره در ادیان الهی :

جستن علت اسطوره‌سازی در ادیان، امری مبهم و مشکل است. شاید اصلی‌ترین علت آن میل به بزرگ کردن و تقدس دادن به اشخاص و اعتقادات دینی می‌باشد به خصوص که در ادیان نسل‌های متفاوتی وجود دارد، جز نسل اول، کمتر وجود پیامبر و بزرگان دین را احساس کرده‌اند و تنها گفتارهایی را شنیده‌اند. این دوری از مبدأ در ادیان سبب خلق اسطوره در اینها شده که گاه از واقعای حقیقی سرچشمه گرفته و بیان شده و گاهی نیز یک دروغ محض می‌باشد. البته در بیشتر موارد این اسطوره‌ها مورد قبول و پذیرش قرار گرفته‌اند.

# اسطوره در دین یهود :

یهودیت به جهت برخورداری از قدمت زمانی، دارای اسطوره پردازی‌های بیشتری شده است. در کتاب مقدس یهودیان به نام عهد قدیم داستان‌ها و گفتارهایی وجود دارد که می‌توان آنها را جزو اسطوره‌ها دانست.

**اسطوره در مسیحیت :** در مسیحیت نیز اسطوره‌سازی به فراوانی یافت می‌شود. حضرت عیسی (ع) که پیامبری الهی و اسوه اخلاق بود، شأن و منزلتی ماورائی به دست آورد و مسیحیان از او اسطوره‌ای خدایی ساختند.

# اسطوره در اسلام :

در قرآن واژگان قصص، حدیث، نبا و مثل به معنای داستان به کار رفته و آن عبارت از بخش هایی از ماجراهای واقعی تاریخ است که عبرت آموزی و هدایت بخشی در پی داشته باشد؛ اما اسطوره در قرآن عبارت از داستان های خرافی زاینده ذهن گذشتگان است . در مقاله حاضر این دو واژه از نظر لغت و قرآن معناسازی شده .